

**محمد رضا منوچهری**

**کارشناس بازنشسته دانشکده کشاورزی**

**1384**

 اینجانب محمد رضا منوچهری در سال 1331 در شهرستان مسجد سلیمان در یک خانواده که اصالتا شوشتری هستند، به دنیا آمدم. دوره شش ساله ابتدایی را در دبستان مودب و ششم بهمن و دوره شش ساله دوم را در رشته تجربی در دبیرستان سینا سپری نمودم و در مهرماه سال 50 در رشته مکانیک خاک و آبیاری انستیتوتکنولوژی کشاورزی اهواز واقع در شهر دانشگاهی روبروی بیمارستان گلستان( منازل کوی مهندسی کنونی) پذیرفته شدم. پس از طی دوره دو ساله فوق دیپلم، در سال 52 به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و بعد از دوره آموزشی، به عنوان سپاهی ترویج به شهرستان شوشتر روستای مهدی آباد رفتم سپس به اداره دامپزشکی مسجد سلیمان منتقل شدم. قبل از پایان دوره سربازی، جهت اشتغال به سازمان آب و برق خوزستان و کشت و صنعت کارون شوشتر و مرکز تولیدی و پژوهشی رامین وابسته به دانشگاه مراجعه کردم که در هر سه پذیرفته شدم ولی به جهت علاقه به ادامه تحصیل، مورد سوم یعنی اشتغال در رامین را برگزیدم. از این رو، در 1354 به عنوان تکنسین آزمایشگاه استخدام و در گروه آبیاری به سرپرستی مرحوم دکتر بهزاد، به کار مشغول شدم. گروه آبیاری و زهکشی در آن سال، طرح زهکشی 80 هکتار زمین زیر سیستم آبیاری بارانی و راه اندازی دستگاه آبیاری و اداره تصفیه خانه مرکز را بر عهده داشت و لذا شرایط اقتضا می کرد که بطور شبانه روزی کار کنیم. این مرکز در زمان استخدام من، زیر نظر دکتر علی کاشانی عضو گروه زراعت فعالیت می کرد. در سال 1355 با استخدام تعداد دیگری کارشناس و تکنسین، فعالیت مرکز متحول شد. به یاد دارم که آقایان مهندس نادیان، بهرامی، شیرالی، بهتاش، دقیقیان، فاطمی و مرحوم دکتر نجفی و تکنسین هایی مانند آقایان قنوات، قبیتی، امیرزاده، خانم نوروزی در همین برهه به جمع ما پیوستند. از میان استادان ان روزگار می توانم به آقایان دکتر قبادیان، بزرگ چمی، حیدرپور، شهیدی، جراح باشی، معصومی و ایران منش ، دانشور، کاظمیان، برادران، شایگان، سبزه خباز اشاره کنم. یاد همگی ایشان به خیر باد!

 از اتفاقات سال 1355 بازدید اشرف پهلوی از دانشگاه جندی شاپور و گشایش سیستم آبیاری بارانی و ایستگاه دامپروری بود.

 پس از انکه دکتر کاشانی به فرصت مطالعاتی رفتند، دکتر هادی فرزدقی رئیس مرکز شدند و توانستند امور مرکز را سروسامان بهتری بدهند.

 در دوره انقلاب، تکثیر اعلامیه های حضرت امام و توزیع آن در مساجد اهواز توسط تعدادی از پرسنل مرکز صورت می گرفت. در سال 1356 تعدادی دانشجو در رشته کشاورزی عمومی پذیرفته شدند که از میان انان می توانم به دکتر بخشنده، مرحوم مهندس تلوری اشاره کنم.

 من در سال 57 ازدواج نمودم. همسرم در آن زمان دانشجوی رشته پرستاری دانشگاه جندی شاپور بود از این رو، چون ایشان در سال 58 در بیمارستان گلستان مشغول به کار شدند، من هم از مرکز رامین به دانشکده کشاورزی اهواز منتقل شدم. در ان زمان، مرحوم دکتر بینا مدیر گروه آبیاری بودند و من به عنوان مسئول آزمایشگاه آبیاری عمومی مشغول به کار شدم. به یاد دارم در ان برهه، آقایان دکتر برومند نسب، قمیشی، آخوند علی، کاشفی پور، هوشمند و شمسایی رییس سازمان آب و برق خوزستان، از دانشجویان گروه بوند. در سال1364 دکتر بهنیا مدیر گروه شدند و من نیز به گروه ماشینهای کشاورزی به مدیریت دکتر شیخ داوودی منتقل گردیدم. پس از چهار سال با همکاری و راهنمایی ایشان، من توانستم به تنهایی و بدون حضور استاد، عملیات درسهای ماشینهای کشاورزی و درس تخصصی تکنولوژی موتور را تدریس کنم. در این زمینه خود را مدیون دکتر شیخ داوودی و دکتر الماسی و دکتر بهرامی هستم. باید اعتراف کنم که فضای صمیمانه در میان اعضای این گروه مرا به ادامه خدمت در دانشگاه وابسته نمود.

 در سال 1367 صاحب دو فرزند پسر و دختر دوقلو شدم. در 1370 بعد از شرکت در آزمون استخدامی کشوری، در پست کارشناس آزمایشگاه ادامه خدمت دادم. در سال 1382 در حالی که پسرو دخترم پانزده ساله بودند، همسرم بعلت بیماری سرطان مرحوم شدند و دوران و شرایط سختی را در زندگی تجربه کردم. پسرم مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته صنایع غذایی را گذراند و در حال حاضر در کارخانه الکل و خمیرمایع زیر پوشش شرکت توسعه نیشکر مشغول به کار است و دخترم مدرک کارشناسی در رشته آمار را از دانشگاه شهید چمران اهواز دریافت کردند و اکنون صاحب یک فرزند است. در طول دوران دانش اموزی دو فرزندم، با انجمن اولیا و مربیان دبیرستان شهید ابراهیمی و شخص اقای ابراهیمی موسس مدارس شهید ابراهیمی، ارتباط تنگاتنگ داشتم.

 در سال 1384بازنشسته شدم. پس از بازنشستگی یکسال بطور رسمی و یکسال به صورت قراردادی با دانشگاه همکاری کردم و چهار سال نیز با دانشگاه آزاد اهواز همکاری نمودم.

 موضوعی که در پایان باید به آن اشاره کنم عدم توجه متولیان دانشگاه به کارشناسان و تکنسین ها در گروه های آموزشی است. این مستخدمان به رغم همکاری در زمینه های آموزشی و پژوهشی و بعضاً درآمد‌زایی برای دانشگاه، آنگونه که شایسته زحمات ایشان است مورد توجه واقع نمی شوند. از این رو، لازم است تا ایین نامه های مالی و شیوه پرداخت به این رده سازمانی مورد بازنگری قرار گیرد.

 به رغم این کمبودها من به نوبه‌ی خودم هنوز به دانشگاه و همکاران سابق عشق می ورزم و اگر عمرم تکرار شود همچنان دانشگاه را به عنوان محل خدمت اداری انتخاب خواهم کرد.